

حمیدرضا وردی

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی بیرجند

فاطمیان و هنرهای زیبا

چکیده:

فاطمیان از جمله حکمرانانی بودند که در جهان اسلام و در سال ۲۹۷ ه‍.ق، روی کار آمدند و استقلال خود را از حکومت عباسی در شمال آفریقا نمایان ساختند. مدتی نزدیک به ۲۷۰ سال حکومت کردند. و با تصرف مصر در سال ۳۵۸ ه‍.ق، سرزمین‌های تحت سلطه‌ی خویش را توسعه دادند. حکومت آن‌ها هم‌چون سایر حکومت‌های اسلامی دارای دو چهره بود. از نظر سیاسی، پیوسته برای برقراری سیادت خود بر جهان اسلام درگیر بودند اما از نظر علم و هنر، توانستند یکی از درخشان‌ترین دوره‌های اسلامی را به جهانیان معرفی نمایند. آن‌ها در معماری، شیشه‌گیری، نقاشی و عاج کاری سرآمد شدند. در ضرب سکه و طراز آن نیز تحولاتی ایجاد کردند. تشریفات افراطی آن‌ها در دربار سبب توجه بیشتر به هنرهای زینتی بود و از طرفی برای این‌که نشان دهند خلیفه‌ی واقعی جهان اسلام هستند تلاش وافر در زمینه‌ی هنر به انجام رساندند.

کلید واژه‌ها:

هنر نقاشی، فرسک، شیشه‌گیری، سفال گری، کاشی کاری، منبت کاری، عاج کاری، برنز کاری، جلدسازی، موسیقی، پارچه‌بافی، دارالدیباچ.

مقدمه

تاریخ تمدن اسلامی، یکی از مباحث جذاب تاریخ اسلام است از این جهت که به بیان موارد گوناگون از فرهنگ و تمدن ملل مسلمان می‌پردازد، وضعیت مسلمانان را در دوره‌های گذشته بررسی می‌کند و تصویری روشن از سیادت آن‌ها به ملل دنیا نشان می‌دهد و نوعی احساس رضایت و خشنودی در انسان ایجاد می‌کند، گویی انگیزه‌ای در درون انسان شعله‌ور می‌شود که بداند چرا مسلمانان اکنون آن مقام و منزلت را ندارند. این انگیزه هنگامی بیشتر جلوه می‌کند که محقق فارغ از هرگونه تعصب و جانبداری به مباحث فرهنگ و تمدن بپردازد.

تمام حکومت‌هایی که در تاریخ اسلام و به نام اسلام ظهور کرده‌اند، دارای دو جنبه بوده‌اند در یک جهت چهره‌ای ناخوشایند از آن‌ها مشاهده می‌کنیم که ما را بر این می‌دارد بپذیریم، گروهی حاکمیت را به دست آورده‌اند تا به هدف‌های دنیوی خود برسند. جنبه‌ی دیگر، چهره‌ای خوشایند و راضی کننده است یعنی خدمت‌هایی که از جهت علمی و هنری انجام داده‌اند و دست آوردهایی که از آن‌ها بر جای مانده و تمامی آن‌ها نشانه‌ی رونق فرهنگی، علمی و هنری دنیای اسلام در زمان آن‌ها بوده است.

حکومت فاطمی نیز از این امر جدا نیست. وقتی هدف‌های سیاسی، اقتصادی و حتی اعتقادی آن‌ها را بررسی می‌کنیم، تاریخی پر از آشوب و جنگ برای سرکوب و برتری بر مخالفان مشاهده می‌کنیم که از هیچ اقدامی در جهت نابودی آن‌ها خودداری نکرده‌اند اما هنگامی که به فرهنگ و تمدن آن‌ها می‌نگریم با جلوه‌های تازه‌ای از علم و هنر رو به رو می‌شویم که به عنوان میراث مسلمانان به ویژه مسلمانان مصر و شمال آفریقا بسیار حایز اهمیت است و نشانگر دورانی پر جلال و شکوه در گذشته‌ی زرین ملل مسلمان است که بر بخش وسیعی از جهان، حکومت کرده‌اند.

در دوره‌ی فاطمی تمدن مصر رفته رفته مسیر ترقی و پیشرفت را پیمود، شهرها، مسجدها، کتابخانه‌ها و قصرهای زیبا به وجود آمد. دامنه‌ی بازرگانی مسلمانان مصر از حوزه‌ی مدیترانه تا هندوستان و شرق دور گسترش پیدا کرد. آثار برجسته‌ی فاطمیان مانند دانشگاه الازهر و جامع الحاکم تا به امروز، نمونه‌ای از بزرگ‌ترین مؤسسه‌های تدریس و آموزش در جهان اسلام هستند. فاطمیان در مصر با پیشینه‌ی فرهنگی

برجسته‌ای رو به رو بودند و برای این‌که از آن‌ها عقب نمانند و یا دست کم ادعای خود را در مورد رهبری جهان اسلام به اثبات رسانند، نیاز به تلاش و همت بیشتری داشتند. هنر و معماری در دوره‌ی فاطمی، جلوه‌ی خاص خود دارد. بناهای باشکوهی که فاطمیان در مصر و شمال آفریقا ساختند مظهر هنر اسلامی از ابعاد گوناگون است. صنایع دستی مانند پارچه‌بافی، سفال‌گری، شیشه‌گری و بسیاری از هنرهای زیارتی مورد توجه قرار گرفت و به کمال رسید. امروزه بسیاری از موزه‌های کشورهای اسلامی و اروپا پر است از هنرهای دستی دوره‌ی فاطمی که هر یک تاریخ و حکایتی را در دل خود جای داده است.

کلمه‌ی فرهنگ، بیشتر به دست آورده‌های معنوی بشر اطلاق می‌شود که گاهی نماینده‌ی اشکال مختلف و انواع هنر و گاه نماینده‌ی مجموع سازمان‌های اجتماعی و عادات و هنرهای یک ملت است. (دورانت: تاریخ تمدن (مشرق زمین گاهواره تمدن، جلد اول، ج ۱)، ص ۹)

بسیاری از تاریخ نگاران توجه خاصی به فرهنگ و تمدن ملل و اقوام کرده‌اند و کتاب‌های فراوانی در این باره نوشته‌اند و امکان دسترسی آیندگان را به تاریخ ملل گذشته فراهم ساخته‌اند اما همیشه چیزهایی برای یافتن و گفتن وجود دارد زیرا نسبی بودن، یکی از ویژگی‌های علم است و این، همان چیزی است که به ما اجازه می‌دهد به نکته‌های تازه‌ای در تاریخ پیشینیان دست یابیم یا از دیدگاه و منظر جدیدی به مطالعه‌ی آن بپردازیم.

نقاشی

هنر نقاشی با توجه خاص فاطمیان به اوج خود رسید. گر چه آثار زیادی از نقاشی، دوره‌ی فاطمی بر جای نمانده اما با مشاهده‌ی نقاشی‌هایی که از آن‌ها بر روی ظرف‌ها، پارچه‌ها و دیوارها بر جای مانده، تکامل این هنر در دوره‌ی ایشان قابل اثبات است. پاپيروس‌های نقش دار موجود در فسطاط که در مجموعه‌ی آرشیودوک رایز در وین اتریش نگهداری می‌شود، گواه دیگری است بر این ادعا. در حفاری‌های اخیر، چند قطعه نقاشی دیواری در ویرانه‌های یک حمام به دست آمده که مربوط به قرن یازدهم میلادی (پنجم هجری) در مصر است. دو طرح نقش دار بر جای مانده در موزه‌ی هنر اسلامی

قاهره نیز به نوبه‌ی خود دارای اهمیت است. (تالیوت رایس: هنر اسلامی، ص ۱۰۷؛ اتینگ‌هاوزن: هنر و معماری اسلامی، ص ۲۵۴)
در دوره‌ی فاطمی، با توجه به این‌که شریعت اسلام صورت‌گری را منع می‌کرد مشکل چندانی برای نقاشی ایجاد نشد. (الصایغ، سمیر: الفن الاسلامیه، ص ۱۳۶-۱۳۵)



۱- قسمتی از سقف نقاشی شده کلیسای پلاتین در پالمو، ۱۱۵۴ میلادی

هنر نقاشی فاطمی را در مناطق مسیحی نشین نیز می‌توان مشاهده کرد. برای نمونه نقاشی‌های سقف مسجد پلاتین در پالمروی سیسیل که در سال ۵۳۲ ه‍.ق، نقاشی شده در اصل کار هنرمندان فاطمی بوده است که با تصاویر حمام قاهره هم‌خوانی کامل دارد. (تالیوت رایس: هنر اسلامی، ص ۹۲؛ محمدماهر: الفن الاسلامیه، ص ۲۲۷) (شکل ۱)

شمار دیگری از نقاشی‌های سقف مسجد پالمو، خصوصیات محافظه کارانه سامرا و ویژگی‌های جدید هنر فاطمی را با یکدیگر ترکیب کرده و در آمیخته است. تصویر شبانی که قوچی را بر دوش گرفته، شبیه نقاشی روی بطری شراب سامرای قرن سوم است. چگونگی نقاشی این سقف‌ها، ما را بر ایم می‌دارد تا درباره‌ی هنرمندان طراحی آن تعمق بیشتری کنیم و دریابیم که نقاش آن تعلق خاطری به مرکز هنری بین‌النهرین

داشته و از طرف دیگر نشانگر این واقعیت است که هنرمندان آن با مکتب نقاشی فاطمی چه در قاهره یا جای دیگر آشنایی کامل داشته‌اند. (اتینگ‌هاوزن: هنر و معماری اسلامی، ص ۶-۲۵۵)

نقاشی آبرنگ روی گچ (فرسک، Fresque)^۱

مسلمانان، نقاشی آبرنگ روی گچ را از قرون وسطی می‌شناخته و به کار می‌برده‌اند. فرسک عبارت بود از پوشاندن دیوار با لایه‌ای گچ یا غیر آن مانند گل و سپس با آبرنگ روی آن نقاشی کردن. آن‌ها مراقبت می‌کردند که رنگ به خوبی جذب گچ شود تا درخشندگی خود را حفظ نماید و این بسیار ساده‌تر از هنر کاشی کاری بوده است. تصاویری از فرسک منسوب به دوره‌ی فاطمی در موزه‌ی هنر اسلامی قاهره وجود دارد. (شکل ۲)



۲- نقاشی دیوار حمام در قاهره، قرن دوازدهم میلادی

مجموعه‌ای مربوط به قرن دهم، یازدهم میلادی (چهارم و پنجم هجری قمری) در دوره‌ی فاطمی به دست آمده که در آن رنگ‌های قرمز و کبود به کار رفته است. در حمام‌های این دوره برخی دیوارها به صورت فرسک، نقاشی شده است. برجسته‌ترین آبرنگی که در حمام فاطمی مشاهده می‌شود؛ تصویر پسر و دختری است، نشسته با

۱. نوعی نقاشی آبرنگ، روی گچ تازه است.

کاسه‌ای در دست که با زیورهایی از گیاهان سرخ‌رنگ تزیین شده است و دو پرنده‌ای که رو در روی یکدیگر نشسته‌اند و منقارهایشان به هم چسبیده است. این هنر چه از نظر شکل‌ها و چه تزیینات، تحت تاثیر آبرنگ‌های سامرا و هم‌چنین هنر ساسانی قرار دارد و دلیل آن هم این است که فاطمیان به عناصر ایرانی چه در نشر دعوت، چه در به کار گرفتن آن‌ها به عنوان کارگزاران دولتی، (ماهر محمد: الفن الاسلامیه، ص ۲۲۶-۲۲۰، محمدحسن زکی: کنوز الفاطمیین، ص ۸۶ و ۱۰۶) اعتماد کامل داشته‌اند.

از تصاویر دیگری که از دوره‌ی فاطمی به جای مانده، تصویر زنان و مردان نوازنده‌ای است که به وفور در آثار آن‌ها مشاهده می‌گردد. به کار بردن موضوع‌هایی مانند رقص و شراب‌خواری پیوند این هنر را با هنر پالرمو می‌رساند که علاوه بر نقاشی، در کنده کاری‌ها و عاج‌کاری‌های این دوره نیز به چشم می‌خورد. (ماهر محمد: الفن الاسلامیه، ص ۲۲۸؛ کنوز الفاطمیین، ص ۱۰۵، حسن الباشا، التصوير الاسلامی، ص ۸۲)

مسجد الحاکم در قاهره نیز از این نوع آبرنگ‌ها که به سبک عربی گچ کاری شده است، تزییناتی با خطوط کوفی دارد و بیان می‌کند که در قرون وسطی دارای جلال و شکوهی تمام بوده است. (دورانت: تاریخ تمدن، ۴/۳۶۶)

نمونه‌ی دیگر، مسجد قوشی است که بدرالجمالی در تپه‌های قاهره بنا کرد. گچ‌بری‌های زیبای محراب آن، نقش‌هایی از خوشه‌ی انگور آمیخته با شاخ و برگ دارد که به نوبه‌ی خود، ستایش برانگیز است. (پولو، پابادو: معماری اسلامی، ص ۲۲۴)

آبرنگ روی گچ در دوره‌ی فاطمی از لحاظ شکل و سبک و موضوع با تصاویر سفالینه‌های براق معدنی منسوب به این دوره، چندان فرقی ندارند؛ برای نمونه صورت جوان نشسته با کاسه‌ای در دست، هم‌خوانی کامل با نقاشی صورت بر ظروف سفالین و آبخوری‌های دوره‌ی فاطمی دارد که با لعاب شفاف انجام پذیرفته است. (ماهر محمد: الفن الاسلامیه، ص ۲۲۶)

ویژگی‌های تصویرگری فاطمی عبارتند از:

۱- طریقه‌ی نشستن

۲- هاله‌ی دور سر

۳- ردای بدون تزیین

۴- ماهیچه‌های قوی

۵- تصاویر مسطح و بدون عمق

۶- کم دقتی در نحوه‌ی ترسیم بدن

۷- تزیینات جانبی.

هم‌زمان با گسترش مملکت فاطمی، هنر تصویر گری آن‌ها در خارج از محدوده‌ی مصر نیز انتشار یافت. تصاویر نقاشان فاطمی در مصر و پالمرو از نظر سبک، موضوع، حواشی و ممیزات کلی دیگر با هم وحدت کامل دارند. (همو، همان، ص ۲۲۸ و ۲۲۶)

شیشه‌گری دوره‌ی فاطمی

بین قدما چنین معروف بود، که مصریان، مخترعان صنعت شیشه‌گری بوده‌اند. اسکندریه بزرگ‌ترین مرکز این صنعت قبل از اسلام بوده است. امپراتور روم، تیبریوس^۱، صنعت گران اسکندریه را برای ساخت اولین کارگاه شیشه‌گری به روم برد و امپراتور سوروس^۲، بخشی از خراج مصر را مصنوعات شیشه‌ای آن معین کرد. علاوه بر مصر، بین النهرین و شام از مهم‌ترین مراکز اولیه‌ی شیشه‌سازی بوده‌اند. (یوسف حسن، احمد: تاریخ مصور تکنولوژی اسلامی، ص ۲۰۴؛ محمد ماهر: الفن الاسلامیه، ص ۱۵۷) (شکل ۳)

با شکل‌گیری تمدن اسلامی، صنعت شیشه‌سازی جان تازه‌ای گرفت. در مصر به ویژه در اسکندریه و قاهره، صنعت شیشه‌سازی نیرومندی پا گرفت. اسکندریه، فیوم، حلب، صیدا، صور و انطاکیه از مهم‌ترین مراکز مصنوعات شیشه‌ای در چهار قرن اول هجری بوده‌اند. ویژگی بارز این مصنوعات شیشه‌ای، رنگ سفید مایل به سبز آن و از طرفی تنوع اشکال و رنگ‌های آن بوده است. (تاریخ مصور تکنولوژی اسلامی، ص ۲۰۴؛ الفن الاسلامیه، ص ۱۵۸؛ عثمان: الاسماعلیه بین الحقائق و الاباطیل، ص ۲۶۲)

¹. Tiberius

². severus



۳- تنگ بلورین العزیز بالله فاطمی، گنجینه سن مارکو، ونیز

مصر دوره‌ی اسلامی، دیرتر از سایر نقاط اسلامی به شیشه‌گری علاقه نشان داد اما با روی کار آمدن فاطمیان پیشرفت قابل توجهی یافت و شیشه‌های بسیار ظریف و گران‌بهای طلاکاری شده یا با مواد معدنی لعابدار نقاشی شده به وجود آمد. (الرفاعی: تاریخ هنر در سرزمین‌های اسلامی، ص ۱۰۶؛ الاسماعیلیه بین الحقائق و الاباطیل، ص ۳۶۲؛ ماجد: تاریخ الحضاره الاسلامیه فی العصور الوسطی، ص ۲۷۳)

از دوره‌ی فاطمی، فرآورده‌های شیشه‌ای بسیاری بر جای مانده است مانند کاسه‌ها، گلاب پاش‌ها، عطردان‌ها، بشقاب‌ها، و مهم‌تر از همه شیشه‌های طلاکاری شده و بلورهایی که به خاطر استحکام آن هنوز در کلیساهای غربی موجود است. (الرفاعی: تاریخ هنر در سرزمین‌های اسلامی، ص ۱۰۶) (شکل ۴)

ناصر خسرو شیشه‌هایی را که در مصر دیده، این‌گونه توصیف می‌کند:

« ... و در آن‌جا بلور سخت نیکو دیدم و استادان، نغز آن‌را می‌تراشیدند و آن‌را از مغرب آورده بودند ... و آبیگینه سازند که به صفا و پاکی به زبرجد ماند و آن‌را به وزن فروشند.» (سفرنامه، ص ۹۸-۹۲)



۴- هلال الظاهر فاطمی از بلور نقره، موزه‌ی ملی سرامیک، نورنبرگ

فاطمیان از شیشه‌های میناکاری شده برای تزئین مسجدها و قصرها نیز استفاده می‌کرده‌اند. برای نمونه، مسجد جامع این طولون در دوره‌ی فاطمی، دارای هجده هزار قندیل بوده که با شیشه میناکاری شده رنگی ساخته شده بود و برخی پنجره‌های این مسجد نیز با شیشه‌ی رنگی تزئین شده بود. (دورانت، ویل: تاریخ تمدن، ۴/۳۶۶)

سعد خزاف از استادکاران این هنر در زمان فاطمیان بوده که نام او بر روی ظروف شیشه‌ای این دوره نقش بسته است. (ماهر محمد: الفن الاسلامیه، ص ۱۶۱) فن ساخت شیشه از جهان اسلام به اروپا راه یافت و در انتقال آن چند عامل مؤثر بود از جمله این که در قرن پنجم هجری، استادکاران مصری دو کارگاه شیشه‌سازی در کورنت یونان بر پا کردند که پس از فتح کورنت به دست نرمان‌ها ویران شد. هجوم مغولان به سرزمین‌های اسلامی نیز موجب شد که گروه عظیمی از شیشه‌گران مسلمان به غرب بگریزند، هم‌چنین در

طول جنگ‌های صلیبی، فن ساخت شیشه از سرزمین‌های اسلامی به غرب راه یافت. (یوسف حسن: تاریخ مصور تکنولوژی اسلامی، ص ۲۰۵-۲۰۴)

بلور تراشی نیز در مصر دوره‌ی فاطمی رواج داشت و از رابطه‌ی نزدیک فنی و هنری بین شیشه تراشیده و بلور معلوم می‌شود که بلور در مصر تولید می‌شده است. شمار عظیمی از این قطعات و ظروف در منابع هم‌زمان یاد شده و نمونه‌هایی از آن نیز به دست آمده است. (اتینگ‌هاوزن: هنر و معماری اسلامی، ص ۲۴۸)

هم‌چنین نوعی از شیشه‌های تراشیده شده که به نام شیشه (سمیک) یا ضخیم معروف بوده در مصر دوره‌ی فاطمی ساخته شده است که آن را با قطعاتی از زیور و جواهرات تزیین می‌کردند. در حال حاضر دوازده لیوان از این نوع شیشه که معروف به ظروف قدسی هستند در موزه‌ی آمستردام و نورنبرگ موجود است. (ماهر محمد: الفن الاسلامیه، ص ۱۶۲؛ اتینگ‌هاوزن: هنر و معماری اسلامی، ص ۲۴۸)

نوع دیگری از هنرهای دستی نیز که به نام بلور سنگ معروف بوده و زیر مجموعه‌ی شیشه‌گری به شمار می‌رفته در دوره‌ی فاطمی ساخته شده است. برای نمونه، شطرنجی از جنس بلور سنگ در موزه‌ی پاریس به نام (Contesse du Behague) موجود است. بلور سنگ به‌عنوان عیار سنج و پیمانانه سنج به‌کار می‌رفته است. (ماهر محمد: الفن الاسلامیه، ص ۱۶۲؛ محمدحسن، زکی: تحف جدیده من الخزف، ص ۱۷۹)

شیشه‌های لعابدار از دیگر مصنوعات شیشه‌ای این دوره بودند به ویژه نوعی که با لعاب‌های معدنی براق ساخته می‌شد. در دوره‌ی فاطمی، تنوع و تعدد این‌گونه اشیای شیشه‌ای مشاهده می‌شود. اسباب بازی‌های کودکان نیز از شیشه ساخته می‌شد که خود دلیلی بر پیشرفت و تکامل این صنعت و هنر در دوره‌ی فاطمی است. (ماهر محمد: الفن الاسلامیه، ص ۱۶۱)

سفال‌گری و کاشی کاری

از میان تمامی هنرهای اسلامی، هنر سفال‌گری بیشترین توجه را به خود جلب کرد و در سرتاسر سرزمین‌های اسلامی آثاری از آن برجای ماند. توجه مسلمانان به آن به این دلیل بود که هنر و خلاقیت و خلقت را با هم داشت و هنرمندان هر جا که احساس می‌کردند این هنر مفید واقع می‌شود آن را به کار می‌گرفتند، از جمله در مساجد و

مدرسه‌ها، خانه‌ها، تابلوهای زینتی، ظروف گوناگون، مجسمه‌ها و بسیاری موارد دیگر. سفال گری پیوند ناگسستنی با سایر هنرها داشت به ویژه با تابلوهای تزئینی، ظروف لعابدار و کاشی سازی. استفاده از نقاشی بر روی ظروف سفالین و نقش بر روی سفال و استفاده از خطوط زیبای کوفی از این سفالینه‌ها آثاری جاودان خلق کرد. (شکل ۵ و ۶)



۶- سبوی منقوش زرین فام رنگی،
قرن چهارم ه‍.ق، موزه‌ی بناکی، آتن



۵- کاسه‌ی منقوش زرین فام، رنگی
قرن چهارم ه‍.ق، موزه‌ی دولتی هنر اسلامی، برلین

نخستین نمونه‌های سفال گری اسلامی مصری، مصنوعات‌ی بود که از بین النهرین به آن جا می‌آمد اما سفال‌گران محلی مصر، خیلی زود سبک‌های تازه‌ای اختراع کردند و با طلوع فاطمیان، سفال‌گری بسیار مورد توجه قرار گرفت.

آنان ظروف شفاف سفید با کنده کاری تزئینی لعابدار را برای نیازهای روزانه به کار می‌بردند و در موارد تخصصی‌تر کاربرد سطوح طلائی مورد توجه قرار گرفت. در دوره‌ی فاطمی، کار تزئینات روی ظروف سفالی به ظرافت و دقت گرایید. (تالپوت رایس: هنر اسلامی،

ص ۲ و ۱۰۱؛ الرفاعی: تاریخ هنر در سرزمین‌های اسلامی، ص ۱۰۴) (شکل ۷ و ۸)



۸- کاسه‌ی منقوش زرین فام رنگی با نقش
گریفین، موزه‌ی هنر اسلامی، قاهره



۷- کاسه‌ی منقوش زرین فام رنگی با نقش
سه شیر، موزه‌ی هنر اسلامی، قاهره

بخشی از سفالینه‌هایی که در مصر ساخته می‌شد به مشتریان و حامیان مسیحی داده می‌شد. در میان سفال گران دوره‌ی فاطمی به سفال گری به نام سعد برخورد می‌شود. عادت مشخص این سفال‌گر، خراشاندن زمینه‌ی جلا داده شده با سوزنی ظریف، بوده است. مسلم، سفال‌گر نیز مشهور بوده است. (تالیوت رایس: هنر اسلامی، ص ۱۰۲؛ ماهر محمد: الفن الاسلامیه، ص ۱۶۱)

در این دوران، نوعی سفالینه‌ی روغنی رواج یافت. شاید علت این بود که طلا و نقره به سبب جنگ‌هایی که با رومیان داشتند از مملکت خارج و کم یافت گشت، بنابراین هنر جدیدی را پایه ریزی کردند که موجب کم رنگ شدن سفالینه‌های براق شفاف شد یعنی سفالینه‌های روغنی. (همو، همان، ص ۵۱ و ۵۰) بنابراین می‌توان گفت سفالینه‌های این دوره بیشتر بر دو سبک استوار بوده است: (عثمان: الاسماعیلیه بین الحقائق و الاباطیل، ص ۳۶۳؛ جمال محرز: الخزف الفاطمی، ص ۱۴۴)

۱- سفالینه‌هایی با نقشه‌هایی روی زمینه‌ی طلائی با یک رنگ.

۲- سفالینه‌هایی لعاب داده شده با مواد فلزی براق.

از قرن چهارم هجری در مصر، نوعی سفالینه‌ی جدید با رنگ‌های واحد یا متعدد روی زمینه‌ی سفید به وجود آمد که به سفالینه‌های شفاف یا درخشان معروف شد و تا پایان دوره‌ی فاطمی به حیات خود ادامه داد تا این‌که رفته رفته لعاب فلزی و

سفالینه‌های لعابدار جای آن را گرفت. (محمد ماهر: الفن الاسلامیه، ص ۳-۵۲؛ پرایس: تاریخ هنر اسلامی، ص ۴۲؛ عثمان، الاسماعیلیه بین الحقائق و الاباطیل، ص ۳۶۲)

ناصر خسرو در مورد این سفالینه‌ها می‌نویسد: «به مصر سفالینه سازند از همه نوع، چنان لطیف و شفاف که دست چون بر بیرون نهند از اندرون بتوان دید، از کاسه و قدح و طبق و رنگ کنند آن را چنان که رنگ بوقلمون را ماند، چنان که از هر جهتی که بداری رنگ دیگر نماید.» (سفرنامه، ص ۹۳)

در دوره‌ی فاطمی صنعت سفال گری آن چنان رونق یافت که تاجران، عطارها و بقال‌ها کالاهای خود را سفالی، به مردم عرضه می‌کردند. (الاسماعیلیه بین الحقائق و الاباطیل، ص ۳۶۳)

دولت فاطمی از قرن پنجم هجری، کاشی‌های گران قیمتی از شرق اقصی وارد می‌کرد و این خود موجب تاثیر پذیری کاشی گران فاطمی از دستاوردهای شرق اقصی شد. فاطمیان نوعی سفالینه می‌ساختند که تقلیدی از سفالینه‌ی سونگ^۱ چینی بود. (ماهر محمد: الفن الاسلامیه، ص ۵۰) از همین زمان بود که بازنمایی طبیعی پیکرهای انسانی بر روی سرامیک‌های منقوش زرین فام رسم شد و صنعت‌گران فاطمی توانستند با روش‌هایی خاص به نمونه‌های طبیعی متفاوت با سرامیک زرین فام حوزه‌ی مدیترانه دست یابند. برخی از این ویژگی‌ها در پاره سفالی از یک کاسه در موزه‌ی هنر اسلامی قاهره وجود دارد. (اتینگ‌هاوزن: هنر و معماری اسلامی، ص ۲۵۱)

مسلمانان در قرون وسطی، بناهای خود را علاوه بر تزیین با سنگ و گچ با کاشی نیز تزیین می‌کردند. گرچه صورت گری را در بناهای دینی به کار نمی‌بردند اما با استفاده از کاشی در تزیین دیوار قصرها و کاخ‌ها به کار بستند. این تصویرگری معمولاً از طریق آبرنگ یا کاشی به انجام می‌رسید. (ماهر محمد: الفن الاسلامیه، ص ۲۱۵)

کاشی معرق یا به قول عرب‌ها (فسیفساً) عبارت است از به کار بردن اجزای زینتی کوچک و متعدد از نظر رنگ با جنس سنگ، شیشه یا سفال و چیدن آن در کنار یکدیگر بر روی گچ یا سیمان. موضوع این اجزای زینتی، بیشتر هندسی یا گیاهی یا موجودات زنده بوده که به صورت مکعب‌های ظریف کنار یکدیگر چیده می‌شده است.

^۱. Song

تمدن‌های مصر و عراق به همین زینت‌های کاشی کاری شده معروف بودند. در دوره‌ی اسلامی، مسلمانان بناهای خود را با کاشی تزیین می‌کرده‌اند. (همو، همان، ص ۲۱۶)
با پایان یافتن خلافت فاطمی در مصر، هنر سفالگری کم رنگ شد و دمشق جای آن را گرفت اما یک گونه سفال یعنی کوزه‌ی بی لعاب با گردنی سوراخ‌دار، اهمیت خود را پیوسته حفظ کرد. (تالپوت راپس: هنر اسلامی، ص ۱۰۳)

کنده کاری روی چوب^۱

از دیگر هنرهای دستی دوره‌ی فاطمی کنده کاری روی چوب و عاج است. سبک مسلط در کارهای چوبی که به دلیل کم یابی آن در مصر، گنجینه‌ای به شمار می‌آید، سبکی بسیار روشن بود. مسجد الحاکم در قاهره و تیرهای کنده کاری شده سقف آن و هم‌چنین درهای کنده کاری شده این مسجد از نمونه‌های بارز این هنر در دوره‌ی فاطمی است. استفاده از طرح‌های اسلیمی و گل و گیاه‌های درهم رفته از نمونه‌های اصلی کنده کاری فاطمی محسوب می‌ود که تنها به این هنر اختصاص نداشته بلکه در گچ کاری، سفال گری، عاج کاری و فلز کاری نیز به کار می‌رفته است. (اتینگ‌هاوزن: هنر و معماری اسلامی، ص ۲۴۷، ۲۴۶؛ محمدحسن، زکی: کنوزالفاطمین، ص ۲۰۲)

صنعت کنده کاری در مصر متأثر از صنعت‌گران قبطی بود که بسیار به کنده‌کاری روی چوب علاقه داشتند. فاطمیان رفته رفته به این هنر علاقه مند شدند و اندک اندک کنده‌کاری اشکال انسان و حیوان روی چوب آغاز شد. این سوای کنده‌کاری اشکال هندسی و تصاویر دیگر بود که پیش از این انجام می‌گرفت. در پایان دوره‌ی فاطمی یعنی در نیمه‌ی دوم قرن ششم هج، سبک جدیدی در کنده کاری روی چوب ایجاد شد و آن عبارت بود از کنده کاری مجموعه‌های هندسی که دارای شکل‌های نجومی بودند و به آن (الطبق النجمی) می‌گفتند. بهترین نمونه کنده کاری در این دوره را در پنجره‌های مشبکی می‌توان دید که هنوز در بیمارستان قلاوون نصب است. (ماهر محمد: الفن الاسلامیه، ص ۲۰۲؛ شافعی، فرید: ممیزات الاخشاب، ص ۷۴-۷۵)

عاج کاری

بسیاری از باستان شناسان در انتساب این هنر به مصر تردید دارند و برخی آن را به سیسیل، دیگران به عراق، ایران و اندلس نسبت می‌دهند اما بهتر این است که به دولت فاطمی منسوب شود. آنچه این دیدگاه را تایید می‌کند، جعبه‌ای است که در پی حفاری‌های (Condes) حوالی والنسیا (بلنسیه) در اندلس پیدا شده است و بر آن جمله‌ی (بسم الله الرحمن الرحيم نصر من الله و فتح قریب، لعبدالله و ولیه لدین الله ابوتمیم الامام المعز لدین الله امیر المومنین صلوات الله علیه و علی آبائه الطیبین و ذریته الطاهرین مما امر بعمله بالمصوریه المرضیه صنعہ مد الخرسانی) نقش بسته است.

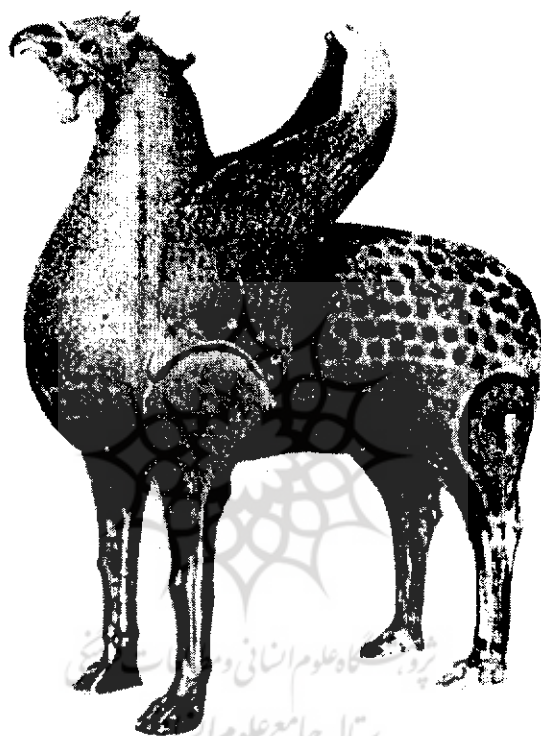
در مورد مجموعه‌ای از اشیای کنده کاری شده از عاج کامل در موزه‌ی فلورانس نیز اختلاف نظر است. برخی آن را به سیسیل و برخی به مصر در زمان فاطمیان نسبت می‌دهند. از این موارد، فهمیده می‌شود که در دوره‌ی فاطمیان در مصر این هنر گسترش فراوانی داشته است و در حقیقت باید دانست، استمرار همان هنر کنده کاری قبطیان بر روی سنگ یا چوب در مصر بوده است. (ماهر محمد: الفن الاسلامیه، ص ۲۰۶؛ اتینگ‌هاوزن: هنر و معماری اسلامی، ص ۲۵۲)

برجسته‌ترین اشیای عاج کاری عبارت بوده است از اشیایی به شکل حیوانات یا انسان مانند منظره زنی در هودجی بر فیل یا صیادی نیزه به دست که شیری به او حمله ور است. اشیای ساخته شده از عاج از همان اشکالی می‌شود که بر روی سکه‌ها یا پارچه‌های این دوره می‌توان یافت. (عثمان، هاشم: الاسماعیلیه بین الحقائق و الاباطیل، ص ۳۶۶؛ ماهر محمد: الفن الاسلامیه، ص ۲۰۵؛ اتینگ‌هاوزن: هنر و معماری اسلامی، ص ۲۵۴-۲۵۳)

برنزکاری

برنز کاری مصر در دوره‌ی فاطمی از شرق الهام گرفته است. پیکرهایی از گریفین، (رک، هنر اسلامی، ص ۱۰۵)، (Griffin)، شیر، گوزن و عقاب در اندازه‌های گوناگون و انواع دیگری از پرندگان در شکل ظروف مایعات، بخورسوزها، فواره‌ها و قفل‌ها اکنون در دست است. سبک آثار برنزی فاطمی بیشتر متکی بر پیکر تراشی حیوانی است. بهترین نمونه این سبک، گریفین برنزی معروف در کامپوسانتو در پیزا است.

در این گریفین برنزی همه چیز از جمله بدن و نوک، مزین و صورت بندی شده است. گل‌های سرخ، کتیبه‌ها و طرح حیوانات ریز نقش بر روی آن مشهود است از همه مهم‌تر اندازه‌ی گریفین است که ارتفاعی برابر با یک متر دارد. (شکل ۹)



۹- گریفین (کرکس بالدار)، مفرغ قالبی، موزه‌ی کامپو ساتو، پیزا

نمونه‌ی دیگر آبدان مرغی شکل در صومعه‌ی سن کاترین در مون سینیایی است با سر کوچک جلو آمده و نوکی منحنی و کاکل نوک تیز، بال‌های فروهشته، پاهای بلند و دسته‌ای به شکل جانوری چارپا که آن‌را شبیه آبدان مرغی شکل دوره‌ی اموی موجود در موزه‌ی برلین کرده است. (همو، همان، ص ۲۵۰-۲۴۹؛ الاسماعیلیه بین الحقائق و الاباطیل، ص ۳۶۷؛ تالپوت رایس: هنر اسلامی، ص ۱۰۵-۱۰۴) (شکل‌های ۱۰ و ۱۱)



۱۰- شیر از جنس برنز قالبی، موزه ملی، کوپنهاگ



۱۱- آبدان مرغی با دسته‌ای به شکل حیوان چهار پا، برنز قالبی، صومعه سن کاترین، مون سینی

کاغذ و جلدسازی

استفاده از لوحه‌های گلی یا پوست حیوانات، محدودیت‌هایی را در حفظ و نگهداری کتاب‌های تهیه شده از آن به دنبال داشت. بنابراین مسلمانان از همان ابتدا در پی دستیابی به انواع بهتری از کاغذ بودند و به دنبال پیشرفت کار نویسندگی توجه به کاغذ مرغوب‌تر هم افزایش یافت.

اولین کاغذهایی که در نوشتن مورد استفاده قرار گرفت، پاپيروس بود که از نوعی گیاه در مصر تهیه می‌شد. این نوع کاغذ که به آن کاغذ مصری می‌گفتند تا قرن هشتم میلادی در مصر و مناطق دیگر مورد استفاده بوده است. (دهخدا، علی اکبر: لغت نامه، ذیل کلمه‌ی کاغذ)

در قرن دوم هجری، صنعت کاغذ از سمرقند به بغداد رسید و در آن‌جا کارخانه‌های مخصوصی برای ساختن کاغذ ایجاد شد. نخستین کارگاه کاغذسازی در بغداد به دستور فضل بن یحیی برمکی به سال ۱۷۸ هـ.ق، ایجاد شد. (محمدی: نقش فرهنگ و تمدن اسلامی در بیداری غرب، ص ۱۱۹)

از شهرهای دیگری که در ساختن کاغذ مشهور بوده‌اند، خونج بوده که یاقوت حموی از آن به عنوان کاغذ کنان یعنی مسکن کاغذ سازان نام می‌برد. (معجم البلدان، ۲/۴۰۷) معروف‌ترین کاغذها عبارت بودند از کاغذ سازی به اندلس و سیسیل رسید. (یوسف حسن: تاریخ مصور تکنولوژی اسلامی، ص ۲۴)

در دوره‌ی فاطمی در مصر، صنعت کاغذ سازی بسیار رونق یافت و فسطاط از مهم‌ترین مراکز ساخت کاغذ سفید شد. در دلتای نیل، نوعی کاغذ به نام بردی تهیه می‌کردند و در فیوم، کارگاهی برای تهیه‌ی آن وجود داشت. مصری‌ها این ورق‌ها را به مغرب نیز صادر می‌کردند. (خضیری، احمد، علاقات الفاطمیین فی مصر بدول المغرب، ص ۱۲۱؛ عثمان: الاسماعیلیهین الحقائق و الاباطیل، ص ۳۶۸)

به دنبال رونق صنعت کاغذ، صنعت جلدسازی و صحافی نیز رشد یافت و جلدهایی از حریر، دیبا و اطلس در جلد کردن کتاب‌ها مورد استفاده قرار گرفت به ویژه قرآن، کتاب‌های حدیث و علوم شرعی. در پی این صنعت، نسخه برداری و خطاطی نیز رونق یافت و قاهره از مهم‌ترین مراکز صنعت ادوات جلدی شد. (همو، همان‌جا)

تزئینات به کار رفته روی جلد و هنری که در آن به کار می‌رفت، نمونه‌ای از جلدسازی قبطی قدیم مصر بود. اما در دوره‌ی فاطمی بود که این صنعت تکامل یافت و نقش و نگار روی آن، هنر رایج صنعت گران مسلمان شد. (حتی، فلیپ: تاریخ عرب، ص ۸۰۳)

موسیقی و غنا

مسلمانان گرچه موسیقی را بنیان ننهادهاند اما بسیار به آن توجه نشان دادند. فارابی و پس از او اخوان الصفا که برخی آن‌ها را صاحب نظران موسیقی می‌دانند، این هنر را شاخه‌ای از ریاضیات می‌دانستند و فیثاغورث را به اعتبار این‌که مؤسس موسیقی بود، بزرگ می‌داشتند. نویسندگان مسلمان با استفاده از این کتاب‌ها و دیگر کتاب‌های یونانی، آرای علمی خود را در موسیقی شکل دادند. فاطمیان به موسیقی و غنا و مجالس لهو و لعب توجه خاص نشان دادند. تنها در دوره‌ی الحاکم به سال ۳۹۸ ه‍.ق، بود که فرماتی مبنی بر بسته شدن مجالس لهو و لعب و نشنیدن موسیقی و استفاده از ابزار آن صادر شد. به این ترتیب زنان مطرب و نغمه‌گر، هفت سال خانه نشین شدند تا خلافت به الظاهر فاطمی رسید. هنگامی‌که بساسیری به نام المستنصر فاطمی در بغداد خطبه خواند، یکی از مغنیان در مورد این حادثه در حضور خلیفه چنین سرود:

یا بنی العباس صدو ملک معد ملککم کان معار والعواری تسترد

(ای بنی عباس رخت بریندید که خاندان معد امور را به دست گرفت. حکومت شما عاریه بود و چیز عاریه را باید پس داد.) خلیفه بسیار شادمان شد و زمینی را به او داد که تا امروز در شهر قاهره به نام طباله معروف است. (ابراهیم حسن: تاریخ الاسلام السیاسی، ۲ و ۳/۴۴۱) توجه به موسیقی را در نقاشی‌های فاطمیان به ویژه در آبرنگ گچی (فرسک) می‌توان مشاهده کرد. (ماهر محمد: الفن الاسلامیه، ص ۲۲۸)

پارچه بافی

هنر پارچه بافی در مصر طی قرون شکل پیدا کرد. آنچه از دوره‌ی فاطمی در مصر مشاهده می‌کنیم متأثر از هنر بافندگی قبطی بوده است. خلیفه‌های فاطمی اهتمام فراوانی به این هنر نشان دادند. قاهره در دوره‌ی فاطمیان از مهم‌ترین مراکز این صنعت به شمار می‌رفت و بافت پارچه‌های حاشیه دوزی شده موسوم به طراز به نهایت ظرافت رسید. هم‌چنین در این دوره، صنایع ابریشم بافی شکوفا شد.

توصیف پوششی که خلیفه‌ی فاطمی امر به بافتن برای کعبه کرد، مهارت و ظرافت مصریان را در پارچه بافی می‌رساند. (الرفاعی: تاریخ هنر در سرزمین‌های اسلامی، ص ۱۰۷؛ تاریخ ابن میسر، ص ۴۴؛ تاریخ الفاطمی الاجتماعي، ص ۱۰۷)

کتان پارچه اختصاصی مصر بود و مهم‌ترین کشتزارهایش در فیوم قرار داشت و به همه جا حتی فارس صادر می‌شد. (متز، آدام: تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ص ۱۹۴)

روابط تجاری میان فاطمیان، مغرب و بر عکس نیز برقرار بود. پارچه‌ی بوقلمون را که در تنیس بافته می‌شد، صادر می‌کردند و بخور و عود از شرق دور به مصر می‌آمد. (خضیری، احمد: علاقات الفاطميين فی مصر بدول المغرب، ص ۱۱۶)

بیشرفت صنعت بافندگی به حدی بود که پارچه‌های نازک پشمی نیز می‌یافتند به طوری که در طحا از شهرهای سعید مصر، منسوجات ظریف پشمی تهیه می‌شد. اما دو مرکز مهم کتان بافی؛ یکی فیوم و دوم حوزه‌ی دریاچه‌ی تنیس، شامل شهر تنیس، دمیاط، شطا و دببق می‌شد که دببق دارای بهترین پارچه‌ها معروف به دببقی و بزرگ‌ترین مرکز نساجی بود اما در قرن چهارم، تنیس و دمیاط بیشتر اهمیت یافت. (قلقشندی: صبح الاعشی، ۳/۴۷۲؛ تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ص ۱۹۵؛ الشیال: مجمل تاریخ دمیاط، ص ۱۳)

محصول قماش کتان مصر، سفید و بی‌رنگ بود اما کتان اسکندریه که (شرب) نامیده می‌شد دارای رنگ بود و هم‌وزن آن، درهم نقره برایش می‌دادند. (متز، آدام: تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ص ۱۹۵؛ ابن تغزی بردی، النجوم الزاهره، ۴/۸۴)

دامن‌کشان همی‌شد در شرب زر کشیده صد ماهروی زرکش جیب قصب دریده (حافظ: دیوان، ص ۴۵۵)

در دوره‌ی فاطمیان انواع گوناگون پارچه شهرت یافت از جمله: عتابی که از ابریشم بافته می‌شد و منسوب به عتاب محله‌ای در بغداد بود. خسروانی که نوعی پارچه‌ی ابریشمی منسوب به خسرو پادشاه ایران بود. قلمونی نیز عبارت بود از پارچه‌ی براق رنگی که با تابیدن نور خورشید به درخشش در می‌آمد. قلمونی را مصریان از رومیان آموختند و در دمیاط و تنیس به بافت آن می‌پرداختند. هم‌چنین شوشتری، نوعی پارچه‌ی ابریشمی منسوب به شوش‌تر بود و قرربی، نوعی پارچه بود که در سرزمین یونان بافته می‌شد و سپس به مصر آمد و در دمیاط و تنیس بافته می‌شد و با تابیدن نور

خورشید، رنگ آن تغییر می‌کرد. (ابراهیم حسن: تاریخ الاسلام السياسي، ۳/۳۳۱؛ حموی: معجم البلدان، ذیل کلمه‌ی تنیس؛ ماهر محمد: الفن الاسلامیه، ص ۷۰؛ النجوم الزاهره ۴/۸۵ [پاورقی])
المعز دستور داد نقشه‌ای از ابریشم کبود شوشتری و قرقری زربفت تهیه کنند که بر آن تصویر مکه و مدینه رسم شده بود و اسامی شهرها و کوه‌ها، نهرها، دریاها با طلا و نقره و حریر بر آن نقش بسته بود.

المستنصر، گنج‌هایی برجای گذاشت شامل پنجاه هزار جامه‌ی ابریشم خسروانی زربفت و رختخوابی از پارچه‌ی قلمونی که دو هزار و چهارصد دینار به فروش رفت. (النجوم الزاهره: ۴/۱۹۵؛ رزق‌الله ایوب: التاريخ الفاطمی الاجتماعی، ۱۰۷/۸؛ لاپیدوس، ایرام: تاریخ جوامع الاسلامی، ص ۴۵۸)

از پارچه‌ی کتان دبیقی خوش‌بافت نیز که سنگین وزن بود، برای ترسیم نقشه استفاده می‌کردند. آن‌ها پارچه را مومیایی و سپس نقشه‌ی مورد نظر را بر آن رسم می‌کردند. (متز: تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ص ۱۹۵)
قلقشندی از سقلاطون نیز که نوعی پارچه‌ی حریر گران بهای قرمز رنگ بوده است، نام می‌برد. (قلقشندی: صبح الاعشی ۳/۴۷۲)

پارچه‌های موسوم به بوقلمون (قلمونی) در قرن پنجم هجری به وجود آمد که تنها در تنیس بافته می‌شد و به چند رنگ متغیر در نظر بیننده جلوه می‌کرد. مقدسی می‌نویسد: «بوقلمون از عجایب مغرب است و آن حیوانی است که زیر سنگ‌های ساحلی دریا می‌خزد و کرکی دارد به نرمی ابریشم که به رنگ طلاست و کمیاب، آن را جمع کرده در بافت پارچه به کار می‌برند به طوری که هر جامه‌اش ده هزار دینار قیمت دارد.» (المقدسی: احسن التقاسیم، ۱۹۹)

از مشهورترین منسوجاتی که اهالی تنیس در تولید آن مهارت داشتند، جامه‌ی گران قیمتی به نام (بدنه) یا نیم تنه بود و از آن لباسی برای خلیفه تهیه می‌شد که در آن تنها دو اوقیه پنبه به عنوان تار و پود به کار رفته بود و بیست هزار دینار قیمت داشت. نوعی دیگر از پارچه به نام القباطی معروف بود که آن را در مصر از دوران فراعنه در مصر می‌باقتند، تا به دوره‌ی اسلامی رسید. (ماهر محمد: الفن الاسلامیه، ص ۷۵)

اغریق‌ی نیز پارچه‌های مطرز به کلمه‌ی (الاب، الابن و روح القدس) بود. (همو، همان،

در کنار منسوجاتی که از آن نام بردیم، پارچه‌هایی تنک بافت هم تهیه می‌شد که به آن (قصب) می‌گفتند. نوع رنگی قصب، بافت تنیس بود که در هیچ جا نظیر نداشت و برای عمامه‌ی مردانه و پوشاک زنانه به کار می‌رفت. قصب سفید در دمیاط بافته می‌شد. (حموی: معجم البلدان، ذیل کلمه‌ی دمیاط)

در مصر دوره‌ی فاطمی، پارچه‌های گلدوزی شده نیز به خاطر غنا و گوناگونی رنگ، مورد استفاده قرار می‌گرفت، این نوع پارچه‌ها که پس از این دوره اهمیت یافت. (تالیوت ریس: هنر اسلامی، ص ۱۰۶) در مجموع می‌توان مشهورترین منسوجات دوران فاطمیان را به چهار دسته تقسیم کرد:

۱- پارچه‌های تزیین شده با تصاویر پرندگان و حیوانات که به صورت متقابل یا پشت به هم قرار می‌گرفتند.

۲- پارچه‌هایی که به رنگ‌های براق متمایز می‌شد به ویژه رنگ طلایی.

۳- پارچه‌هایی که مایه‌هایی از سبک‌های قدیمی را در خود داشت.

۴- پارچه‌هایی با رنگ کبود با نوشته‌هایی از حروف کوفی. (الاسماعیلیه بین الحقائق و الاباطیل، ص ۳۶۱)

فاطمیان در دمیاط و تنیس و سایر مکان‌هایی که لازم بود، کارگاه‌هایی برای بافت پارچه‌های مخصوص حکومتی داشتند که مزین به طراز حکومتی بود. طراز، نوشته‌های زربفت روی پارچه‌ها بود و در دوره‌های بعد به نوشته‌ها و طرح‌های روی سکه‌ها نیز اطلاق شد. پارچه‌های بافته شده در این کارگاه‌ها به خزانه‌ی لباس در قصر انتقال می‌یافت. (قلفشندی: صبح الاعشی، ۳/۴۹۰؛ ماهر محمد: الفن الاسلامیه، ص ۷۰؛ مقریزی: خططه، ۲/۳۳۹؛ ابن الطویر: نزهة المقلتین، ص ۱۰۴)

ناصر خسرو در مورد طراز حکومتی معتقد است: «فاطمیان در بافت پارچه‌ای با نقش‌های زینتی که به آن طراز می‌گفتند، شهره بودند که در بافت آن از نخ طلا و نقره برای دوختن آیات قرآن و ادعیه در منسوج استفاده می‌شد.» و هم‌چنین در مورد خزانه لباس می‌نویسد: «هر فرش و طرح که در این حرم (قصر الکبیر) بود همه آن بود که دیبای رومی و بوقلمون به اندازه‌ی هر موضعی بافته و دار افزینی مشبک از زر بر کناره‌های آن نهاده که صفت آن نتوان کرد.» (سی هانسبرگ، آلیس: ناصر خسرو لعل بدخشان، ص ۱۹۳؛ ناصر خسرو: سفرنامه، ص ۹۸)

خط نویسی بر پارچه برای آرایش کارهای بافته شده، بیشتر از نمونه‌های تصویری مورد علاقه بوده و بیشترین محبوبیت را در مصر داشته است. در مدتی کوتاه، خط نویسی نه تنها در پارچه‌بافی مصری به صورت کیفیتی برجسته و ممتاز در آمد، بلکه در کار گلدوزی نیز چهره‌ای درخشان یافت. (تالیوت رایس: هنر اسلامی، ص ۱۰۴)

جدول مشخصات و نام پارچه‌هایی که در دوره‌ی فاطمی در مصر بافته می‌شد.

نام پارچه	مشخصه
عتابی	از جنس ابریشم منسوب به عتاب محله‌ای در بغداد.
خسروانی	پارچه‌ی ابریشمی منسوب به خسرو شاه ایران.
قلمونی، بوقلمون	پارچه‌ی براق رنگی که با تابیدن نور خورشید می‌درخشید.
شوشتری	پارچه‌ای ابریشمی منسوب به شوشتر.
قرقیبی	نوعی پارچه که در یونان بافته می‌شد و با تابش خورشید تغییر رنگ می‌داد.
طراز	پارچه‌های حاشیه‌دوزی شده، مخصوص دربار و کارگزاران دولتی.
دبیقی	نوعی پارچه‌ی بسیار مرغوب منسوب به دبیق در مصر که در ترسیم نقشه به کار می‌رفت.
سقلاطون	نوعی حریر قرمز رنگ گرانبها.
قباطی	پارچه‌ای که از دوران فراعنه بافته می‌شد و دارای تار و پود غیر متقاطع بود.
اغریقی	پارچه‌ای که مطرز به کلمه‌ی «اب، ابن، روح القدس» بود.
بدنه	پارچه‌ای گران قیمت از جنس پنبه و بسیار ظریف که از آن جامه‌ای به نام بدنه یا نیم‌تنه برای خلیفه تهیه می‌کردند.
قصب	پارچه‌های رنگی تنک بافت که برای عمامه یا پوشاک زنانه کاربرد داشت.
دمشقی	نوعی پارچه از جنس حریر که در دمشق بافته می‌شد.
شرب	کنان رنگی که در اسکندریه بافته می‌شد.

(استخراج از منابع متعدد مورد استفاده در هنر پارچه‌بافی، همین مقاله)

فاطمیان علاوه بر کار بافت پارچه که از اهمیت زیاد برخوردار بود، منسوجاتی با رنگ ثابت هم طراحی و تولید می‌کردند. این فن عبارت بود از پوشاندن بخش‌هایی از پارچه با ماده‌ای مقاوم مانند موم و سپس خیساندن آن در رنگ تا طرح‌هایی رنگ‌دار یا بی رنگ تولید شود. (همو، همان، ص ۱۶)

هنری که امروز به نام قالب زنی یا (چاپ سیلک) معروف است در مصر توسط قبطیان تهیه می‌شد و مسلمانان آن را از قبطیان آموختند و صلیبیان از مصر اسلامی آن را گرفته به اروپا بردند که به نظر می‌رسد در پیدایش صنعت چاپ نقش اساسی داشته است. باید خاطر نشان کرد که تجار اروپایی، منسوجات دولت فاطمی را مرغوب‌تر از منسوجات دیگر می‌دانسته‌اند. علاوه بر این از قالی‌های دوران فاطمی، خیمه‌های مخمل، اطلس، حریر دمشقی و پارچه‌های زربفت نیز می‌توان یاد کرد از جمله خیمه‌ای که برای یازوری، وزیر المستنصر مهیا کرده بودند که صد و پنجاه صنعتگر بیش از نه سال روی آن کار کردند. (دوران: تاریخ تمدن، ۴/۳۳۶)

در این دوره هم زمان با بافت پارچه صنعت سجاده بافی نیز رواج یافت به ویژه در شهر اسیوط سجاده‌هایی شبیه سجاده‌های ارمنی بافته می‌شد. (عثمان: الاسماعیلیه بین الحقائق و الاباطیل، ص ۲۶۱)

دارالدیباج

دارالدیباج عبارت بود از دارالوزاره قدیمی که یعقوب بن کلس آن را بنا کرد. سپس وزیر ناصر الدین قاضی القضاة و الیازوری در آن ساکن شدند تا این که بدرالجمالی، وزیر المستنصر در محله‌ی برجوان، دار جدیدی بنا کرد و در آن‌جا ساکن شد. پس از او فرزندش افضل در دارالقباپ که معروف به دارالوزاره الکبری بود ساکن شد و این دار معروف به دارالدیباج بود زیرا در آن‌جا پارچه‌هایی از جنس حریر تهیه می‌شد. پس از فروپاشی حکومت فاطمی، مردم دارالدیباج را تبدیل به مدرسه سیفیه کردند. (مقریزی: خطط، ۱/۳۹۰)

پوشاک مردم

لباس خلیفه، وزیر و امیران از دارالکسوه تهیه می‌شد. برای خلیفه و درباریان این لباس‌ها در تابستان و زمستان متفاوت بود. خلیفه در محافل رسمی، لباس‌های حاشیه دوزی شده با نخ‌هایی از طلا و نقره که هر یک هزار دینار ارزش داشت، بر تن می‌کرد. (مقریزی: خطط، ۲/۳۹۹؛ رزق الله ایوب: تاریخ الفاطمی الاجتماعی، ص ۹۸-۹۷)

فقیهان و عالمان، لباسی از طلیسان بر تن می‌کردند و سایر مردم، عمامه یا قلنسوه، دراعه و جبه داشتند و لباس‌هایشان از پشم یا کتان بود و کمتر لباس ابریشم بر تن

می‌کردند. فاطمیان بیشتر لباس‌های سبز، سفید و قرمز را می‌پسندیدند و از رنگ سیاه استفاده نمی‌کردند. زیرا سیاه، لباس عباسیان بود. زمانی که جوهر صقلی به مصر آمد و قاضی حسین عجمی را با لباس سیاه دید، لباس او را پاره کرد و طلیسانی که خود داشت به او داد. (همو، همان، ص ۹۷)

فهرست منابع و مأخذ:

- ۱- ابراهیم حسن، حسن: تاریخ الاسلام سیاسی و الدینی و الثقافی و الاجتماعی، دارالفکر، الطبعة الثانية، عشره، ۱۴۱۱ هـ.ق.
- ۲- ابن‌تغری بردی، جمال‌الدین: النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۳ هـ.ق.
- ۳- ابن جنب راضی، تاج‌الدین محمد بن علی: المنتقی من اخبار مصر (تاریخ ابن میسر)، انتقاءه تقی‌الدین احمد بن علی مقریزی، المعهد العلمی الفرنسی للانثار الشرقیه، قاهره، بی تا.
- ۴- ابن الطویر، ابو محمد: زهة المقلتین فی اخبار الدولتین، النشرات الاسلامیه شتو تجارت، ۱۹۹۲ م.
- ۵- اتینگهاوزن، ریچارد واگ گرابر: هنر و معماری اسلامی، ترجمه‌ی یعقوب آژند، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، چ اول، ۱۳۷۸.
- ۶- الباشا، حسن: التصوير الاسلامی فی العصور الوسطی، القاهرة، ۱۹۵۹ م.
- ۷- بریس، کریستین: تاریخ هنر اسلامی، ترجمه‌ی مسعود رجب نیا، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران ۱۳۵۶.
- ۸- پولو، پایادو: معماری اسلامی، ترجمه‌ی حشمت‌الله جزنی، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چ اول، ۱۳۶۸.
- ۹- تالبوت رایس، دیوید: هنر اسلامی، ترجمه‌ی ماه ملک بهار، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چ اول، ۱۳۷۵.
- ۱۰- جمال محمد، محرز: الخزف الفاطمی ذوالبریق المعدنی، مجلة كلية الادب جامعة قاهره، ۱۹۴۴ م.
- ۱۱- حافظ، شمس‌الدین محمد: دیوان حافظ، تصحیح حسین الهی قمشه‌ای، انتشارات سروش، تهران ۱۳۶۷.
- ۱۲- حتی، فیلیپ: تاریخ عرب، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، مؤسسه‌ی انتشارات فرانکلین، تبریز ۱۳۴۴.
- ۱۳- حموی، یاقوت بن عبدالله: معجم البلدان، دار صادر، بیروت، ۱۳۷۵.
- ۱۴- خضیری، احمد حسن: علاقات الفاطمیین فی مصر بدول المغرب، مكتبة مدبولی، القاهرة، الطبعة الاولى، بی تا.
- ۱۵- دورانت، ویل: تاریخ تمدن (عصر ایمان) ترجمه‌ی جمعی از مترجمان، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، تهران، چ اول، ۱۳۶۶.
- ۱۶-: تاریخ تمدن (مشرق زمین گاهواره تمدن) ترجمه‌ی احمد آرام و ...، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، تهران، چ اول، ۱۳۶۵.
- ۱۷- دهخدا، علی اکبر: لغت نامه، مؤسسه‌ی انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم از دوره‌ی جدید، ۱۳۷۷.

- ۱۸- رزق الله ایوب، ابراهیم: التاريخ الفاطمی الاجتماعي، الشركة العالمية للكتاب، لبنان، الطبعة الاولى، ۱۹۹۷ م.
- ۱۹- الرفاعي، انور: تاريخ هنر در سرزمین های اسلامی، ترجمه عبدالرحیم قنوت، انتشارات جهاد دانشگاهی، چ اول، ۱۳۷۷.
- ۲۰- سی هانسبرگ، آلیس: ناصر خسرو لعل بدخشان، ترجمه فریدون بدره ای، انتشارات فروزان، چ اول، ۱۳۹۰ ه.ق.
- ۲۱- شافعی، فرید: مميزات الاخشاب المزخرفة فی الطرازین العباسی و الفاطمی فی مصر، مجلة كلية الادب جامعه قاهره، ۱۹۵۴ م.
- ۲۲- الشیال، جمال الدین: مجمل تاریخ دمیاط، مطبعة مدرسة دون بوسكو بالاسكندرية، ۱۹۴۹ م.
- ۲۳- الصایغ، سمیر: الفن الاسلامیه، دار المعرفة، بیروت، الطبعة الاولى، ۱۴۰۸ ه.ق.
- ۲۴- عثمان، هاشم: الاسماعیلیه بین الحقائق و الاباطیل، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، الطبعة الاولى، ۱۴۱۹ ه.ق.
- ۲۵- قلقشندي، ابوالعباس احمد بن علی: صبح الاعشى فی صناعة الانشاء، المؤسسه المصریه العامه للتالیف و الترجمة و الطباعه و النشر، بی تا.
- ۲۶- لایبوس، ابرام: تاریخ جوامع الاسلامی، ترجمه محمد رمضان زاده، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، چ اول، ۱۳۷۶.
- ۲۷- ماجد، عبدالمنعم: تاریخ الحضارة الاسلامیه فی العصور الوسطی، مكتبة الانجلوالمصریه، الطبعة السابعة، ۱۹۹۶ م.
- ۲۸- ماهر محمد، سعاد: الفن الاسلامیه، الهيئه المصریه العامه للكتاب، ۱۹۸۶ م.
- ۲۹- متر، آدام: تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ترجمه علی رضا ذکاتوی قراگزلو، انتشارات امیر کبیر، چ اول، ۱۳۶۲.
- ۳۰- محمدحسن، زکی: تحف جدیدة من الخزف الفاطمی ذی البریق المعدنی، مجلة كلية الادب جامعه قاهره، ۱۹۵۱ م.
- ۳۱-: كنوز الفاطمیین، دارالاثار العربیة، القاهرة، ۱۹۲۷ م.
- ۳۲- محمدی، ذکراالله: نقش فرهنگ و تمدن اسلامی در بیداری غرب، انتشارات دانشگاه بین المللی امام خمینی، ۱۳۷۳.
- ۳۳- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد: احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ترجمه علی نقی منزوی، شرکت مؤلفان و مترجمان ایرانی، تهران، چ اول، ۱۳۶۱.
- ۳۴-: دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۸ ه.ق.
- ۳۵- ناصر خسرو: سفرنامه، با حواشی محمد دبیر سیاقی، انتشارات زوار، چ دوم، ۱۳۶۳.
- ۳۶- الندیم، محمد بن اسحاق: الفهرست، ترجمه محمد رضا تجدد، انتشارات امیر کبیر، چ سوم، ۱۳۶۶.
- ۳۷- یوسف حسن، احمد و دانالد رهیل: تاریخ مصور تکنولوژی اسلامی، ترجمه ناصر موفقیان، انتشارات علمی و فرهنگی چ اول، ۱۳۷۵.